

آزمایش هسته‌ای کره شمالی: علل و پیامدها

نویسنده: نوذر شفیعی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۱/۲۰

صفحات مقاله: ۳۱-۴۸

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی باعث شد کره شمالی دست به آزمایش هسته‌ای بزند؟ نگارنده معتقد است معمای امنیت در قالب فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا بر کره شمالی و عدم اطمینان پیونگ یانگ از حمایت‌های چین و روسیه، باعث شد کره شمالی به سمت سیاست خودیاری در شکل آزمایش هسته‌ای حرکت کند.

دومین پرسش این مقاله به پیامدهای آزمایش هسته‌ای کره شمالی مربوط می‌شود. نگارنده معتقد است آزمایش هسته‌ای کره شمالی پیامدهای مختلفی در سطح داخلی کره (کره شمالی)، منطقه شرق آسیا و نظام بین‌الملل به همراه داشته و دارد که یکی از مهمترین آنها برهم خوردن موازنه قوا در منطقه شرق آسیا و نیز افزایش تعداد قدرتهای هسته‌ای در سطح جهان می‌باشد.

* * * * *

کلید واژگان

شبه جزیره کره، آزمایش هسته‌ای، سیاست خودیاری، موازنه قوا، معمای امنیت

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در نهم اکتبر ۲۰۰۶، کره شمالی با انجام یک آزمایش هسته‌ای زیرزمینی با قدرت انفجاری کمتر از یک کیلو تن، موجودیت خود را به عنوان یک قدرت اتمی اعلام کرد. این آزمایش محصول یک فرآیند طولانی است که ریشه آن به جنگ کره (۱۹۵۱-۵۳) برمی‌گردد. با این حال مجموعه‌ای از فعل و انفعالات در دوره پس از جنگ سرد، این روند را تشدید کرد.

آزمایش هسته‌ای کره شمالی در عین حال تأثیرات عمیقی بر امنیت منطقه‌ای (شرق و جنوب شرق آسیا) و امنیت بین‌المللی خواهد گذاشت. درحقیقت این آزمایش شوک بزرگی را بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی وارد ساخت و احتمالاً پس لرزه‌های سیاسی و امنیتی آن برای مدتها تداوم خواهد داشت. در این نوشتار سعی داریم به دو سؤال اساسی پاسخ دهیم:

۱- چرا کره شمالی آزمایش هسته‌ای انجام داد؟

۲- تأثیر آزمایش هسته‌ای کره شمالی بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی کدامند؟
برای پاسخ به این پرسشها، به‌ویژه پرسش اول، از تئوری رئالیسم به عنوان یک ابزار تحلیلی بهره گرفته‌ایم، چرا که معمای امنیت و تلاش برای حفظ بقا به عنوان دو مفهوم کلیدی در اندیشه رئالیسم، نقش مهمی در آزمایش هسته‌ای کره شمالی به عنوان جلوه‌ای از "سیاست خودیاری" که آن هم یکی از مفهومی‌های اصلی در اندیشه رئالیسم است، داشته است.

بخش اول: آزمایش هسته‌ای کره شمالی - علل و عوامل

اگر بخواهیم با توجه به اندیشه رئالیسم به علل و عوامل دخیل در آزمایش هسته‌ای کره شمالی اشاره کنیم باید گفت: کره شمالی در طول حیات سیاسی خود در معرض تهدید ایالات متحده آمریکا بوده است. این احساس تهدید در کنار عدم اعتماد کره شمالی به متحدین خود، مهمترین عامل در حرکت به سمت هسته‌ای شدن بوده است. برای تبیین این موضوع، ضروری است سایه تهدید

آمریکا بر کره شمالی را در دو مقطع زمانی مورد بررسی قرار دهیم.

الف) مقطع اول: دوره جنگ سرد

شبه جزیره کره یکی از مهمترین مناطقی بوده است که آثار و پیامدهای جنگ سرد را به خوبی تجربه کرده است. جنگ کره (۵۳-۱۹۵۰) بارزترین جنگ سرد بر شبه جزیره کره است. در این جنگ، ایالات متحده با حمایت از کره جنوبی، شبه جزیره کره را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرد، از آن زمان به بعد، کره شمالی دائم در معرض تهدید آمریکا و متحدانش (ژاپن و کره جنوبی) بوده است. اگرچه استقرار نیروهای نظامی آمریکا (نیروهای متعارف) در کره جنوبی از جانب کره شمالی به عنوان یک تهدید قلمداد می‌شد و پیونگ یانگ ناچار بود برای مقابله با این تهدید به توسعه سلاحهای متعارف خود و نیز نزدیکی به چین و اتحاد جماهیر شوروی رو آورد، اما استقرار تسلیحات اتمی آمریکا در کره جنوبی و تهدید آمریکا به استفاده از این سلاحها علیه کره شمالی، یک نقطه عطف در تصمیم کره شمالی برای حرکت به سمت سلاحهای هسته‌ای محسوب می‌شود. (Norris & Kristensen, 2005, 64-67)

استقرار رسمی تسلیحات اتمی آمریکا در کره جنوبی در سال ۱۹۵۸ شروع شد، اما در سال ۱۹۶۷ میزان سلاحهای هسته‌ای آمریکا در کره جنوبی رو به فزونی نهاد. در این سال، آمریکا حدود ۹۸۰ کلاهک از هشت نوع بمب هسته‌ای در کره جنوبی مستقر کرد (Norris & Others, 1999, 26-35). در اواسط دهه ۱۹۸۰ این روند رو به کاهش نهاد و تعداد آن به ۱۵۰ کلاهک تقلیل یافت. در سال ۱۹۹۱ جورج بوش پدر (در راستای کاهش نیروهای آمریکا در مناطق مختلف جهان) دستور داد تمامی تسلیحات هسته‌ای باقی مانده در کره جنوبی به آمریکا بازگردانده شوند (Norris & Kristensen, Ibid). این روند بلافاصله متوقف شد. علت آن پایان نیافتن جنگ سرد در منطقه شرق آسیا و باقی ماندن کره شمالی به عنوان آخرین مرز جنگ سرد بود.

آنچه مهم است اینکه در دوره جنگ سرد و به ویژه در خلال، جنگ کره، تهدید آمریکا به استفاده از سلاحهای هسته‌ای علیه کره شمالی و استقرار این سلاح‌ها در کره جنوبی، کیم ایل سونگ، رهبر وقت کره شمالی، را بر آن داشت تا برای مقابله با تهدیدات هسته‌ای آمریکا به سمت دستیابی به سلاحهای هسته‌ای حرکت کند. در این راستا پیونگ یانگ در دهه ۱۹۶۰ اولین گام را برای ساخت سلاحهای هسته‌ای با همکاری اتحاد جماهیر شوروی برداشت. دو دهه بعد نیز چین با این دو کشور همراه شد و ماحصل آن ساخت راکتور هسته‌ای ۲۰ مگاواتی در نزدیکی شهر یانگ بیون در سال ۱۹۸۶ بود. (Stueck, 1995, 67)

ب) مقطع دوم: دوره پس از جنگ سرد
در ارتباط با موضوع مورد بحث، دوره پس از جنگ سرد به دو مقطع جداگانه قابل تقسیم است. مقطع اول از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰ و مقطع دوم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶.

۱- مقطع اول ۱۹۰۰-۲۰۰۰

این مقطع برای کره شمالی حساس و خطرناک است. چرا که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، جهان را در یک وضعیت انتقالی قرار داده بود. از یک سو ایالات متحده به عنوان پیروز جنگ سرد، در صدد بود نوعی نظم مبتنی بر ثبات هژمونیک را در جهان ایجاد کند و خود را به عنوان تنها ابرقدرت در جهان معرفی نماید. از سوی دیگر روسیه به شدت درگیر مسائل داخلی بود و فرصت و قدرت خودنمایی و حضور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را نداشت.

چین به رغم رقابتهایی که با ایالات متحده داشت، نه می‌توانست و نه تمایل داشت بر سر منافع غیرحیاتی (از جمله مسئله کره شمالی) با آمریکا رو در رو شود. برعکس، پی‌گیری سیاست اصلاحات که پیشبرد آن نیازمند همکاری با

غرب از جمله آمریکا بود و نیز بعضی از مسائل مهم از جمله بازگرداندن هنگ‌کنگ، ماکائو و تایوان به سرزمین مادری، اقتضا می‌کرد چین رفتار محتاطانه و مسالمت‌آمیزی را با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی خود در پیش گیرد. تحت این شرایط، کره شمالی از حمایت پکن نیز محروم شد. این حوادث مصداق این فرضیه رئالیستی بود که در محیط آنارشی بین‌المللی نمی‌توان به دولت‌های دیگر اتکا کرد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۴، ۳۶۴-۳۶۲). از این رو، در شرایط جدید، مقامات پیونگ یانگ دو گزینه را پیش‌روی خود می‌دیدند: مذاکره با آمریکا و حل مسائل به طور مسالمت‌آمیز؛ اتخاذ سیاست خودیاری و حرکت به سمت سلاح‌های هسته‌ای. رفتارهای کره شمالی در این دوره نشان می‌دهد که سیاستمداران این کشور هر دو گزینه را توأمان انتخاب کردند.

از یک سو مقامات پیونگ یانگ با آمریکا وارد مذاکره شدند. ماحصل این مذاکرات که با پیچیدگی‌ها، سختی‌ها و فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود، توافقنامه ژنو ۱۹۹۴ بود. اگرچه این توافقنامه مسائل زیادی را دربرمی‌گرفت، اما موضوع اصلی آن این بود که کره شمالی از برنامه‌های هسته‌ای مشکوک خود دست بردارد و در مقابل آن، آمریکا و متحدانش ضمن رفع تحریم‌های اقتصادی این کشور که بعد از سال ۱۹۵۳ وضع شده بود، همکاری اقتصادی جدیدی را با کره شمالی آغاز کنند، دو تأسیسات مدرن تولید برق (یا آب سبک) در اختیار کره شمالی قرار دهند، و سوخت موردنیاز کره شمالی را تأمین نمایند. (<http://www.armscontrol.org>)

به موازات این مهم، کره شمالی به دلیل عدم اعتماد به آمریکا، پیشبرد یک برنامه هسته‌ای مخفی را در دستورکار قرار داد. در این مسیر، پیونگ یانگ امیدوار بود از پتانسیلها و تجربیات پاکستان بهره گیرد. پاکستان که از سال ۱۹۴۷ تاکنون در رقابت و تضاد دائمی با هندوستان به سر می‌برد و پس از جنگ سرد به دلیل کاهش اهمیت استراتژیکش در استراتژی امنیتی - نظامی آمریکا، مورد بی‌مهری واشنگتن قرار گرفته بود، تعامل با کره شمالی را به عنوان یک فرصت قلمداد

کرد. آثار این تعامل در اواسط دهه ۱۹۹۰ متجلی شد. در این مقطع، سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) اطلاعاتی به دست آورد که نشان می‌داد دولت پاکستان از طریق دانشمند هسته‌ای خود، دکتر عبدالقدیرخان، به کره شمالی در ساخت سانتریفیوژ کمک کرده و حتی طرحهای ساخت بمب اتم را در اختیار کره شمالی قرار داده است. (Singer, 2005, 10)

در سال ۲۰۰۴ این گزارشها صحت و سقم بیشتری پیدا کرد و عبدالقدیرخان اعتراف کرد که تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم را در سال ۱۹۹۱ در اختیار کره شمالی قرار داده است (Norris & Kristensen, Ibid). این همکاریها بیشتر معطوف به راه‌اندازی راکتور اتمی مگنوکس (Magnox) در یانگ بیون بوده است. ظاهراً پاکستان در ازای دریافت تکنولوژی موشکهای بالستیک از کره شمالی، تکنولوژی هسته‌ای را در اختیار پیونگ یانگ قرار داده است. (Fratz, 2005, A1)

مقطع اول دوره پس از جنگ سرد با این دو تحول (مذاکره و حرکت به سمت هسته‌ای شدن) همراه بود، بدون آنکه نتیجه مشخصی در پی داشته باشد: از یک‌سو ناظران سیاسی منتظر اجرایی شدن توافقنامه ژنو ۱۹۹۴ بودند، از سوی دیگر اطلاعات پراکنده و تأیید نشده‌ای از فعالیتهای هسته‌ای کره شمالی منتشر می‌شد. در سال ۲۰۰۱ بود که بسیاری از مسائلی که تا آن هنگام پنهان مانده بود، به تدریج آشکار شد و دور جدیدی از تحولات هسته‌ای کره شمالی آغاز گردید.

۲- مقطع دوم: ۲۰۰۱-۲۰۰۶

در این مقطع دو تحول مهم در ارتباط با مسئله هسته‌ای کره شمالی نمایان شد:

الف) تحول در روابط دوجانبه کره شمالی و آمریکا

مهمترین تحول در روابط آمریکا و کره شمالی، حرکت دو کشور به سمت موضوعی خصومت‌آمیز علیه یکدیگر بودند؛ یعنی دیپلماسی به بن‌بست رسید و

دو طرف به سمت رویارویی نظامی حرکت کردند. علت اصلی این تحول عدم اجرای توافقنامه ژنو ۱۹۹۴ و تصریح کره شمالی به حرکت در مسیر سلاحهای هسته‌ای بود. آمریکا مدعی شد اطلاعاتی در دست دارد که کره شمالی به‌رغم موافقتنامه ۱۹۹۴ به سمت هسته‌ای شدن حرکت می‌کند. در مقابل، کره شمالی مدعی شد که به دلیل خودداری آمریکا از اجرای موافقتنامه ۱۹۹۴، فعالیتهای هسته‌ای خود را از سر می‌گیرد. (<http://wikipedia.org>)

واقعاً مشخص نبود که کدامیک درست می‌گویند. آنچه مسلم بود اینکه پیونگ یانگ و واشنگتن در قصد و نیت همدیگر تردید داشتند. کره شمالی تعلل آمریکا در اجرای موافقتنامه ژنو را ناشی از تمایل باطنی سیاستمداران این کشور برای براندازی نظام سیاسی کره شمالی قلمداد کرد. واشنگتن نیز دیپلماسی را فرصتی می‌دانست که کره شمالی قصد دارد با بهره‌گیری از آن (خرید وقت) برنامه‌های هسته‌ای خود را تکمیل کند. مذاکراتی که در طول سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ چه به صورت دوجانبه و چه به صورت شش‌جانبه (آمریکا، روسیه، ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی، چین) میان دو کشور صورت گرفت، تماماً حول این محور دور می‌زد که کدام کشور باید ابتدا شروع کند، آیا کره شمالی فعالیتهای هسته‌ای خود را متوقف کند و بعد آمریکا شروع به رفع تحریمها و تعامل سازنده با کره شمالی برآید و یا برعکس، آمریکا ابتدا رفتارهایی به نشانه حسن نیت از خود بروز دهد و متعاقباً کره شمالی فعالیتهای هسته‌ای خود را متوقف نماید؟ هیچ یک از دو کشور حاضر به انعطاف در مواضع خود نبودند و به موازات مذاکرات، کره شمالی به تکمیل فعالیتهای هسته‌ای خود مبادرت ورزید و آمریکا نیز به بسیج نیروی نظامی و فشار سیاسی علیه کره شمالی متوسل شد.

در سال ۲۰۰۳، کره شمالی برای خارج کردن مذاکرات از بن‌بست، پیشنهاد جدیدی را مطرح کرد: پیونگ یانگ در ازای امضای پیمان عدم تجاوز با آمریکا (Non-aggression Treaty) حاضر است فعالیتهای هسته‌ای‌اش را متوقف کند. این

پیشنهاد با سه هدف مطرح شد. اول اینکه پیونگ یانگ قصد داشت از این طریق، خود را مسبب شکست مذاکرات قلمداد نکند. دوم اینکه سعی داشت از این طریق به قصد و نیت آمریکا پی ببرد، چرا که اگر واشنگتن حاضر به امضای چنین پیمانی نمی‌شد، مشخص بود که واقعاً قصد وی تجاوز به کره شمالی است. سوم اینکه کره شمالی با اعلام این خواسته جدید، تلویحاً توافقنامه ژنو ۱۹۹۴ را خاتمه یافته اعلام می‌کرد و کل مطالبات خود در آن پیمان را به یک موضوع (عدم تجاوز) تقلیل می‌داد. (<http://en.wikipedia.org>)

خودداری آمریکا از پذیرش درخواست کره شمالی، راه را برای حرکت پیونگ یانگ به سمت هسته‌ای شدن باز کرد، چرا که کره شمالی به این نتیجه رسید که فقط از طریق برخورداری از سلاحهای هسته‌ای می‌تواند کشورش را از تهاجم احتمالی آمریکا نجات دهد. به همین دلیل در اولین اقدام از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست، خاک این کشور را ترک کنند. در دومین گام، در اواخر سال ۲۰۰۳ خروج خود را از پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (NPT) اعلام کرد. یک سال بعد یعنی در سپتامبر ۲۰۰۴ اعلام کرد به‌طور موفقیت‌آمیز پلوتونیوم پردازش شده در راکتور یانگ بیون را برای ساخت بمب اتم آماده کرده است. از آن زمان به بعد، برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی در وضعیت ابهام‌آمیزی قرار گرفت تا اینکه در نهم اکتبر ۲۰۰۶ دست به آزمایش هسته‌ای زد. (<http://en.wikipedia.org>)

ب) تحول در محیط بین‌المللی

اگرچه بسیاری از تحولاتی که از سال ۲۰۰۱ به بعد در عرصه جهانی به وقوع پیوست، ریشه‌اش به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد، اما نکته جدید آن بود که زنگ خطر را برای روسیه و چین به صدا درآورد. حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات قبل از آن زمینه را برای یکه‌تازی آمریکا در سطح جهان فراهم ساخت. قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر این تحولات برای چین نگران‌کننده بود، افزایش حمایت آمریکا از تایوان

به‌رغم "بیانیه‌های سه‌جانبه با چین"، تلاش آمریکا، ژاپن و تایوان برای استقرار سپر دفاع موشکی در شرق آسیا (TMD)، تقویت پیوندهای نظامی آمریکا، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا، گسترش مناسبات آمریکا و هند که نتیجه آن انعقاد موافقتنامه هسته‌ای و پیمان مشارکت استراتژیک میان دو کشور در سال ۲۰۰۵ بود، حضور آمریکا در آسیای مرکزی که به نوعی قلمرو نفوذ چین محسوب می‌شد و بالاخره در دوره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، حمله آمریکا به افغانستان و عراق زنگ خطر را برای پکن به صدا درآورد.

همین وضعیت در مورد روسیه نیز صادق بود. گسترش ناتو به شرق که تا آسیای مرکزی پیشروی کرده بود، روشن شدن دخالت آمریکا در ناآرامی‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی فدراسیون روسیه که ظاهراً قصد آن تجزیه فدراسیون روسیه بوده است، خروج آمریکا از (ABM)، حضور آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و در تحولاتی نظیر حمله آمریکا به افغانستان، جنگ عراق، انقلاب‌های رنگی در کشورهای حوزه نفوذ روسیه و ... زنگ خطر را برای مسکو به صدا درآورد.

همه این تحولات در چارچوب سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا و قصد آمریکا به معرفی خود به عنوان تنها ابرقدرت جهان تفسیر شد. بنابراین، پکن و مسکو درصدد برآمدند مجدداً قدرت خود را احیا کنند و به بازتعریف نقش خود در شرایط نوین بین‌الملل بپردازند. یکی از حوزه‌هایی که این خودنمایی می‌توانست در آنجا بروز و ظهور پیدا کند، کره شمالی بود. از این زمان به بعد بود که سایه چتر سیاسی و امنیتی روسیه و چین مجدداً بر سر کره شمالی برافراشته شد. اما این اقدام، برای کره شمالی فقط یک فرصت بود. پیونگ یانگ خاطره تلخ قطع حمایت مسکو و پکن را در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ فراموش نکرده بود و با بهره‌گیری از فضای جدید، به سیاست خودیاری (حرکت به سمت سلاحهای هسته‌ای) ادامه داد. این سیاست آثار خود را در نهم اکتبر ۲۰۰۶ به صورت آزمایش هسته‌ای کره شمالی، نشان داد.

بخش دوم: آزمایش هسته‌ای کره شمالی: پیامدها

آزمایش هسته‌ای کره شمالی، بدون شک یک دغدغه مهم امنیتی برای منطقه شرق آسیا و حتی کل جهان به‌شمار می‌آید. اگر بخواهیم پیامدهای این آزمایش را برشماریم، موارد زیر قابل توجه به نظر می‌رسد:

الف) پیامدهای آزمایش هسته‌ای در سطح داخل کره شمالی
آزمایش هسته‌ای کره شمالی چند پیامد مهم را در داخل کره شمالی بر جای گذاشته است:

اولین پیامد آن ایجاد احساس غرور ملی است. مردم کره شمالی از سال ۱۹۵۰ به بعد در معرض شدیدترین تحریمهای اقتصادی، فشارهای سیاسی، امنیتی و روانی محیطی و بین‌المللی قرار داشته است. آزمایش هسته‌ای محصول صبر و تحمل مردم این کشور در مقابل فشارها بوده است. اکنون برای ملت کره شمالی معلوم می‌شود که ریاضت آنها بی‌ثمر نبوده و دانشمندان هسته‌ای آنها موفق شده‌اند به یکی از برترین تکنولوژی‌های روز جهان دست یابند و هم کشورشان را در مقابل تهدیدات احتمالی بیمه کنند.

دومین پیامد آزمایش هسته‌ای کره شمالی، ایجاد احساس ترس و اضطراب نسبت به آینده در میان مردم کره شمالی است، یعنی به‌رغم احساس غرور و شادمانی اولیه، این نگرانی در میان مردم کره شمالی بروز خواهد کرد که تحریمها علیه این کشور تشدید شود، فشارهای سیاسی علیه آنها افزایش یابد و حتی ممکن است مورد حمله نظامی نیز واقع شوند.

سومین پیامد تحکیم نسبی پایه‌های نظام سیاسی کره شمالی است. همان‌گونه که گفته شد، یکی از اهداف اصلی مقامات پیونگ یانگ در حرکت به سمت سلاحهای هسته‌ای، ایجاد نوعی بازدارندگی در مقابل آمریکا برای حفاظت از نظام سیاسی این کشور بوده است. به عبارت دیگر، مقامات کره شمالی سلاحهای

هسته‌ای و بقای نظام سیاسی خود را دو روی یک سکه می‌دانند. اکنون با آزمایش هسته‌ای این کشور، مقامات پیونگ یانگ می‌توانند امیدوار باشند در سایه چتر وحشت‌انگیز سلاح‌های هسته‌ای بقای نظام سیاسی خود را حفظ کنند. البته این مهم منوط به این است که پیونگ یانگ بتواند شوک‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی محیطی و بین‌المللی را که این آزمایش برای آنها به وجود می‌آورد، از سر بگذرانند.

چهارمین پیامد آزمایش هسته‌ای کره شمالی افزایش قدرت چانه‌زنی مقامات این کشور در مقابل آمریکاست. در حقیقت به همان میزان که این آزمایش فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی علیه کره شمالی را افزایش خواهد داد به همان میزان به پشتوانه‌ای مؤثر برای کره شمالی در مذاکرات تبدیل خواهد شد. تحولاتی که بعد از قطعنامه ۱۷۱۸ اتفاق افتاد، نشانگر آن است که واقعاً موضع کره شمالی تقویت شده است. چرا که آمریکاییها مجدداً به پای میز مذاکره برگشتند و کره شمالی همچنان برخواست‌های قبلی خود اصرار می‌ورزد و راهی جز امتیازدهی به کره شمالی وجود ندارد.

ب) پیامدهای آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سطح منطقه
آزمایش هسته‌ای کره شمالی چند تأثیر مهم را بر منطقه شرق آسیا بر جای گذاشته است:

اولین تأثیر آزمایش هسته‌ای کره شمالی بر این منطقه، بر هم زدن موازنه قوا و یا لاقلاً ایجاد موازنه قوا است. تا قبل از آزمایش هسته‌ای کره شمالی، آمریکا، ژاپن و کره جنوبی در یک بلوک و کره شمالی و چین و تا حدی روسیه در بلوک دیگر قرار داشتند. اگر آمریکا، چین و روسیه را از این بلوک‌بندی خارج کنیم، نوعی موازنه نسبی قوا در حد سلاح‌های متعارف میان کره جنوبی و ژاپن از یک طرف و کره شمالی از طرف دیگر برقرار بود. آزمایش هسته‌ای کره شمالی باعث شد این کشور به سلاح هسته‌ای دست یابد و با بر هم زدن قوای غیرمتعارف،

موقعیت برتری نسبت به دو کشور دیگر پیدا کند.

دومین پیامد آزمایش هسته‌ای کره شمالی، شروع دور تازه‌ای از مسابقات تسلیحاتی در منطقه شرق آسیا است. تا قبل از آزمایش هسته‌ای کره شمالی، مسابقه تسلیحاتی در شرق آسیا بیشتر در حوزه تسلیحات متعارف بود. آزمایش هسته‌ای احتمالاً ژاپن و کره جنوبی را به سوی دستیابی به سلاحهای هسته‌ای برای ایجاد بازدارندگی در مقابل کره شمالی تحریک خواهد کرد. این مسئله در مورد ژاپن مصداق بیشتری پیدا می‌کند چرا که ژاپن از قبل و صرف‌نظر از بحث هسته‌ای کره شمالی، برای ایفای نقش مؤثر در نظام بین‌الملل و بازدارندگی در مقابل چین و روسیه پروژه هسته‌ای شدن را در دستورکار قرار داده بود. از این رو مسئله هسته‌ای کره شمالی فقط یک بهانه برای ژاپن است.

سومین پیامد آزمایش هسته‌ای کره شمالی بر شرق آسیا جنبه اقتصادی دارد. پیامدهای اقتصادی این آزمایش می‌تواند کوتاه‌مدت و بلندمدت باشد. در کوتاه‌مدت، بلافاصله بعد از آزمایش هسته‌ای کره شمالی کاسپی (kospı) کره جنوبی سقوط کرد، بازار مبادلات ارزی ژاپن و تایوان تعطیل شدند، ین ژاپن در مقابل دلار آمریکا به پایین‌ترین حد ارزش خود در هفت‌ماه قبل از آزمایش هسته‌ای کره شمالی نزول کرد (Boey, 2006, www.bloomberg.com). این آثار منفی در بلندمدت بدین شکل تجلی خواهد یافت که منطقه شرق آسیا، اساساً منطقه‌ای اقتصاد - محور است. آزمایش هسته‌ای کره شمالی و متأثر از آن آغاز دوره جدیدی از مسابقه تسلیحاتی در منطقه، ضمن امنیتی کردن محیط منطقه، باعث خواهد شد کشورهای منطقه بخش زیادی از سرمایه‌های خود را که پیش از این در عرصه اقتصادی و تجاری جریان داشت به سوی هزینه‌های نظامی سوق دهند. علاوه بر این، با امنیتی شدن محیط منطقه‌ای شرق آسیا، تمایل سرمایه‌گذاران خارجی بر سرمایه‌گذاری در این منطقه کاهش خواهد یافت و حتی ممکن است

این منطقه شاهد فرار سرمایه‌های خارجی و حتی داخلی باشد. (United State Geological Survey, 2006)

چهارمین پیامد، احساس نیاز به نوعی مکانیسم ثبات‌بخش منطقه‌ای است. این احساس نیاز، از این واقعیت ناشی می‌شود که چگونه می‌توان کره شمالی را از آزمایش هسته‌ای بیشتر برحذر داشت و چگونه می‌توان از وخیم‌تر شدن اوضاع جلوگیری کرد؟ آغاز مذاکرات شش‌جانبه حدود سه ماه بعد از آزمایش هسته‌ای کره شمالی، دقیقاً از این واقعیت ناشی می‌شود. بنابراین احتمالاً کشورهای منطقه شرق آسیا به این سمت حرکت خواهد کرد تا با ایجاد یک مکانیسم اعتمادساز (سیستم مذاکره) هم از تأثیرات مخرب بی‌ثباتی‌های موجود بر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و امنیتی منطقه بکاهند و هم مانع از بروز جنگ (بر هم خوردن ثبات) شوند. از آنجا که کلیه کشورهای عضو مذاکرات شش‌جانبه (منهای کره شمالی) مخالف هسته‌ای شدن کره شمالی هستند، تحقق این مکانیسم اعتمادساز امکان‌پذیر است.

ج) پیامدهای آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سطح بین‌الملل یکی از مهمترین پیامدهای بحران کره شمالی در سطح بین‌المللی تأثیر بر واگرایی یا همگرایی قدرتهای بزرگ در برخورد با مسائل هسته‌ای است. این همگرایی یا واگرایی به این پرسش مربوط می‌شود که آیا اقدام کره شمالی در انجام آزمایش هسته‌ای محصول ناکامی مذاکرات بوده است؟

در این باره قطعاً دو دیدگاه مطرح می‌شود: چین و روسیه استدلال می‌کنند که بن‌بست در مذاکرات که مسبب آن آمریکاییها بودند، باعث شد کره شمالی دست به آزمایش هسته‌ای بزند. در چارچوب این دیدگاه اگر آمریکا در مقابل کره شمالی انعطاف به خرج می‌داد و به تهدید علیه کره شمالی مبادرت نمی‌ورزید، ممکن بود پیونگ یانگ بر سر عقل آید و از انجام آزمایش هسته‌ای پرهیز کند.

در مقابل، دیدگاه آمریکا و احتمالاً انگلیس قرار دارد. از دید آمریکا و انگلیس، مذاکره با کره شمالی فقط دادن فرصت به این کشور برای انجام آزمایشهای هسته‌ای بود و اگر قبل از آزمایش هسته‌ای، کره شمالی مورد حمله نظامی قرار می‌گرفت، این فرصت از آن سلب می‌شد.

در هر حال، موضوع بالا پیچیده و در حد ماجرای "اول مرغ یا تخم مرغ" است و بعید می‌نماید اجماعی در مورد درستی یک دیدگاه و غلط بودن دیدگاه دیگر حاصل گردد. این موضوع برای مدتها محور بحث و گفتگوی قدرتهای بزرگ و سازمانهای امنیتی بین‌المللی خواهد بود.

دومین پیامد آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سطح بین‌المللی به بحث و چگونگی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در عصر هسته‌ای مربوط می‌شود. اگرچه عصر هسته‌ای با اولین آزمایش هسته‌ای آمریکا شروع شد، اما واقعیت این است که کشورهای بالقوه هسته‌ای دیگر ممکن است یکی پس از دیگری به سمت هسته‌ای شدن (در شکل نظامی آن) حرکت کنند. تحت این شرایط این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان امنیت و صلح جهانی را در عصر هسته‌ای تضمین کرد؟ این سؤال ممکن است جهان را به سوی تنظیم رژیم‌های امنیتی جدید و بازنگری در رژیم‌های امنیتی سابق سوق دهد.

سومین پیامد، به تأثیر این آزمایش بر اقتصاد جهان مربوط می‌شود. آثار کوتاه‌مدت این آزمایش در شکل افزایش قیمت نفت به بیش از ۶۰ دلار و افزایش ۱٪ قیمت طلا و تحت تأثیر قرار گرفتن بازار داو جونز آمریکا نمود یافت، اما از آنجا که منطقه شرق آسیا یکی از پر رشدترین مناطق اقتصادی جهان طی سالیان اخیر بوده است و در عصر جهانی شدن، نوعی وابستگی متقابل فزاینده بین اقتصادهای جهان وجود دارد به‌گونه‌ای که اختلال در بخشی از آن به اختلال در کلیت نظام اقتصادی جهان منجر می‌شود، یک موضوع مهم برای نهادهای

اقتصادی جهان آن است که چگونه می‌توان از آثار و پیامدهای اقتصادی وخیم ناشی از آزمایش هسته‌ای کره شمالی بر منطقه شرق آسیا و متأثر از آن بر کل جهان جلوگیری کرد.

چهارمین پیامد، آزمایش هسته‌ای کره شمالی تأثیر بر افزایش قدرت مانور چین و روسیه است. به‌رغم آنکه چین و روسیه در اصل با هسته‌ای شدن شبه جزیره کره مخالف بودند، اما اگر بپذیریم نوعی قطب‌بندی سیاسی - نظامی (نه در شکل فاحش دوره جنگ سرد) در سطح جهان شکل گرفته است که چین و روسیه در یک طرف و آمریکا و متحدانش در طرف دیگر قرار دارند، آزمایش هسته‌ای کره شمالی موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی چین و روسیه را تقویت خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

معمولاً کشورها به سه دلیل دست به آزمایش هسته‌ای می‌زنند: پاسخ به معمای امنیت (زمانی که منافع حیاتی یک کشور در معرض تهدید جدی قرار دارد و آن کشور از طریق سلاحهای متعارف قادر به ایجاد بازدارندگی نیست)، کسب وجهه بین‌المللی (زمانی که یک کشور قصد دارد خود را به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه بین‌المللی معرفی کند و در تصمیم‌گیریهای جهانی نقش‌آفرینی نماید)؛ ترکیبی از معمای امنیت و کسب وجهه بین‌المللی (زمانی که معمای امنیتی به‌رغم واقعی بودن آن شرایط و توجیه لازم را برای یک کشور جهت انجام آزمایش هسته‌ای با هدف کسب وجهه بین‌المللی فراهم می‌کند).

آزمایش هسته‌ای کره شمالی پاسخی به معمای امنیت بود؛ چرا که این کشور نوعی تهدید جدی از ناحیه آمریکا علیه نظام سیاسی خود احساس می‌کرد. به عبارت دیگر، آزمایش هسته‌ای کره شمالی نوعی تلاش برای حفظ و صیانت از بقای خود می‌باشد. کره شمالی پس از آنکه پی برد در پرتو حمایت روسیه و

چین قادر به تأمین امنیت خود نیست به سیاست "خودیاری" در شکل آزمایش هسته‌ای روی آورد.

آزمایش هسته‌ای کره شمالی قطعاً پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مهمی به دنبال دارد، اما مهمترین پیامد آن به این مسئله مربوط می‌شود که چگونه می‌توان صلح و ثبات بین‌المللی را در عصری که تعداد بازیگران هسته‌ای رو به ازدیاد می‌باشند، تأمین کرد؟ این مهم به‌طور قطع ضرورت بازنگری در رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد آزمایش هسته‌ای کره شمالی باید اندیشمندان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و همین‌طور سیاستمداران جهان را به سمت پاسخگویی به این سؤال رهنمود کند که چرا کره شمالی به سمت آزمایش هسته‌ای حرکت کرد؟ پاسخ به این سؤال مستلزم توجه به سه معادله است: امتیاز - پرخاشگری، امتیاز - انعطاف، و محرومیت - پرخاشگری.

اگر همانند آمریکا فکر کنیم، مذاکره و دادن امتیاز به کشوری که در مسیر هسته‌ای شدن (نظامی یا غیرنظامی) حرکت می‌کند اقدامی اشتباه است، زیرا مذاکره فقط به آن کشور فرصت می‌دهد تا فرآیند هسته‌ای شدن خود را هرچه سریعتر طی کند. بنابراین آمریکا معتقد است باید با اقدامات بازدارنده (فشار سیاسی، تحریم و حتی اقدام نظامی) مانع هسته‌ای شدن کشورها به‌ویژه در بعد نظامی شد. اگر مانند چینی‌ها و روسها فکر کنیم، محرومیت کشورها از حقوق خود، باعث پرخاشگری آنها در شکل حرکت به سمت هسته‌ای شدن (نظامی) می‌شود. در مورد کره شمالی، چین و روسیه اعتقاد دارند اگر آمریکا در مذاکره با کره شمالی انعطاف نشان می‌داد، هرگز کره شمالی به سمت استفاده نظامی از تکنولوژی هسته‌ای حرکت نمی‌کرد. بنابراین، مورد کره شمالی می‌تواند آزمون مهمی برای مطالعه رفتار قدرتهای بزرگ با قدرتهایی باشد که در جهت استفاده از تکنولوژی هسته‌ای (نظامی و غیرنظامی) حرکت می‌کنند.

منابع فارسی

- ۱- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)؛ *جهانی شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

English References

1. Boey, Dafren (2006); <Asia Stocks Drop After North Korea Nuclear Test> www.Bloomberg.com.
2. Halliday, Fred (1999); *Revolution and World Politics: The Rise and Fall of the Sixth Great Power*, Macmillan Press, Ltd. London.
3. Morgenthau, Hans, J. (1967); *Politics Among Nations 4thed*, NewYork: Knopf.
4. Norris, Robert and Kristensen, Hans, (North Korea's Nuclear Program, 2005), Bulletin of Atomic Scientists, May/June 2005, (Vol.61, No.3). (also see Roger Dingma, "Atomic Diplomacy During the Korea War", in M. Lynn-Jones, et al, Nuclear Diplomacy and Crisis Management. (Cambridge, Mass: MIT Press, 1990), pp.127-139.
5. Norris, Rober and Arkn, William and Burr (www.armscontrol.org).
6. Stueck, William, The Korean War: An International History (Princeton, N.J. Princeton University Press, 1995).
7. William, (Where They Were), "Bulletin of the Atomic Scientists", November/December 1999 (Vol.55, No.6).
8. "2006 North Korea Nuclear Test", (<http://en.wikipedia.org>)

- 9_ “United State Geological Survey”, (2006) (<http://en.wikipedia.org>)
- 10_ “Agreed Framework Between the United States of America and the Democratic People’s Republic of Korea: Geneva, October 21, 1994”, (<http://www.Armscontrol.org/doucument/af.asp>)